Original Article Open Access



Child Rights Journal

2022; 3(12): 25-37

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

International ThinkTank of Human Dignity | The Iranian Association of Medical Law | The Iranian Association of Child Rights

Children's Right to Upbringing and Education with a Focus on the Development Document and 2030 Agenda

Shima Fotros[1]

1. Department of Criminal Law and Criminology, University of Qom, Qom, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: One of the issues of concern to legal systems in most countries of the world is the education of the future generation. In the meantime, children as future builders have rights that the government and family are responsible for implementing. In this study, the right to education and training was examined while reviewing the Development Document and the 2030 Document.

Method: This research has been done in a descriptive way using library resources.

Results: The findings showed that there is limited legal literature on the right to education and some of these texts can be criticized and need to be revised. Also, regarding the right to education, the main criticism is the issue of educational justice and its freeness.

Conclusion: Although the 2030 Agenda seems to have positive points, due to some challenges, it needs localization and coordination with Iranian culture.

Keywords: Child Rights; Upbringing; Education; 2030 Agenda

Corresponding Author: Shima Fotros; **Email:** shima_ecol@yahoo.com

Received: October 17, 2021; **Accepted:** January 5, 2022

Please cite this article as:

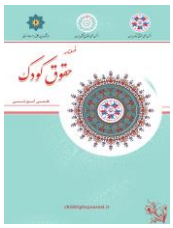
Fotros SH. Children's Right to Upbringing and Education with a Focus on the Development Document and 2030 Agenda. Child Rights Journal. 2022; 3(12): 25-37.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11]

This Open Access Article Distributed under the Terms of the Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0 (CC BY-NC 4.0)

مقاله پژوهشی

دسترسی آزاد



فصلنامه حقوق کودک

دوره سوم، شماره دوازدهم، زمستان ۱۴۰۰، صفحات ۳۷-۲۵

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

انجمن علمی حقوق کودک ایران

انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

اندیشکده بین المللی کرامت انسانی

حق کودکان بر تربیت و آموزش با نگاهی به سند تحول و سند ۲۰۳۰

شیما فطرس[۱]

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه قم، قم، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: یکی از دغدغه‌های نظام‌های حقوقی در اغلب کشورهای جهان مسأله آموزش و تربیت نسل آینده است. در این میان کودکان به عنوان آینده‌سازان دارای حقوقی می‌باشند که تکلیف اجرای آن بر عهده دولت و خانواده است. در این مطالعه حق بر آموزش و تربیت ضمن بررسی سند تحول و سند ۲۰۳۰ مورد بررسی قرار گرفت.

روش: این تحقیق به شیوه توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به انجام رسیده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که در مورد حق بر تربیت متون قانونی محدودی وجود دارد و برخی از این متون نیز قابل انتقاد و نیازمند بازنگری است. همچنین در مورد حق بر آموزش اصلی‌ترین انتقاد وارده مسأله عدالت آموزشی و رایگان‌بودن آن است.

نتیجه‌گیری: سند ۲۰۳۰ هرچند دارای نقاط مثبتی به نظر می‌رسد، لیکن به واسطه برخی چالش‌ها، نیاز به بومی‌سازی و هماهنگی با فرهنگ ایرانی دارد.

واژگان کلیدی: حقوق کودک؛ تربیت؛ آموزش؛ سند ۲۰۳۰

نویسنده مسئول: شیما فطرس؛ **پست الکترونیک:** shima_ecol@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۵؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۰/۱۰/۱۵

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Fotros SH. Children's Right to Upbringing and Education with a Focus on the Development Document and 2030 Agenda. Child Rights Journal. 2022; 3(12): 25-37.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

مقدمه

در نیمه دوم قرن بیستم بر اساس این ادعا که کودکان اشخاص قانونی هستند و حقوقی مشابه بزرگسالان دارند، تمرکز حقوق کودک از حق بر حفاظت و تأمین به حق بر مشارکت و خود تعیین‌گری (Self-Determination) تغییر کرد. توجه به حق خود تعیین‌گری کودکان منجر به جنبش جهانی در راستای افزایش مشارکت کودکان در تصمیمات مؤثر بر زندگیشان شد. بازتاب این افزایش آگاهی‌ها، تصویب پیمان‌نامه حقوق کودک توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۹ بود که ۱۹۳ کشور شناخته‌شده دنیا به آن پیوستند، از جمله ایران که در سال ۱۳۷۲ طی ماده واحده‌ای به شرط عدم مغایرت مفاد آن سند با موازین شرعی و حقوقی داخلی به آن پیوست.

در این پیمان‌نامه که مقبول‌ترین سند حقوق بشر در طول تاریخ است، نه‌تنها حقوق کودک برای حفاظت از صدمه، سوءرفتار، تأمین نیازها و ارائه خدمات تأیید شده، بلکه حق رشد وی به عنوان یک فرد مستقل به رسمیت شناخته شده است.

کودکان طی مراحل رشد که آمادگی حضور در جامعه را کسب می‌کنند، نیازهایی دارند که چنانچه به آن‌ها توجه نشود، چه بسا زمینه بروز بسیاری از مشکلات در آینده گردیده و غیر قابل جبران باشند، هرچند این نیازها از حقوق کودک به شمار می‌رود، اما کودک در شرایطی نیست که از حقوق خود آگاه باشد. حقوق کودک، حقوقی ذاتی است و باید محترم شمرده شود. به دلیل اهمیت دوران کودکی در شکل‌گیری شخصیت آینده کودک، آگاهی و حمایت از حقوق کودک در این مرحله از زندگی با اهمیت‌تر جلوه می‌کند.

برخی از حقوق کودکان که همانا تکالیفی برای والدین محسوب می‌شوند، جنبه مادی دارند مانند نفقه و سرپرستی اموال، اما برخی دیگر جنبه معنوی دارند مانند حضانت و تربیت. خوشبختانه اکثر حقوق مادی کودکان جنبه قانونی یافته و از ضمانت اجرایی و حمایت مراجع قضایی برخوردار می‌باشد، لیکن متأسفانه عمده حقوق تربیتی کودکان جنبه قانونی نداشته و صرفاً به عنوان گزاره‌هایی اخلاقی مطرح می‌شوند که مورد احترام جامعه هستند.

تعلیم و تربیت یکی از آشکارترین نیازهای انسان امروزین است که در دنیای کنونی، مورد توجه تمامی دولت‌ها و نظام‌های آموزشی قرار دارد و تلاش‌ها و بودجه‌های فراوانی صرف برآوردن و فراهم‌ساختن زمینه‌های آن می‌شود و هر دولت و نظامی بنا بر خواست‌ها و نیازهای خویش به دنبال تربیت نیروی کارآمد برای جامعه خویش می‌باشد. در واقع تربیت یکی از اصلی‌ترین نیازهای بشر امروز شمرده شده و از بدیهیات تلقی می‌شود، به گونه‌ای که تربیت نسل کوچک که قرار است در آینده نسل مولد جامعه را شکل دهند، به عنوان یکی از حقوق و وظایف اصلی والدین و در مراحل بعدی، دولت‌ها و نظام‌های آموزشی شمرده شده است (۱). با توجه به اهمیت تربیت و پرورش نسل کنونی در راستای برآوردن نیازهای فردای جامعه، نظام‌های تربیتی گرفتار مشکلات و مسائل پیچیده فراوانی هستند و بحث‌ها و جدل‌های بسیاری درباره چیستی تربیت، بنیان‌های فلسفی و اجتماعی آن، عوامل تأثیرگذار و تأثیرپذیر آن، افرادی که حق دخالت در آن دارند و بسیاری مباحث دیگر در این حوزه مطرح می‌باشد. بر این اساس، با توجه به مطالب گفته شده، طی این تحقیق به بررسی مسأله تربیت و آموزش کودکان از منظر حقوقی با نگاهی به سند تحول و سند ۲۰۳۰ پرداخته می‌شود.

۱. مفهوم تربیت: تربیت به معنای ایجاد تغییر تدریجی به سمت کمال و پرورش دادن است. فرایند تربیت در

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11]

ابعاد مختلف اعتقادی، اخلاقی، فردی، اجتماعی، علمی و امثال آن کاربرد دارد. انسان، حیوان یا حتی گیاهان، هر کدام به اقتضای خود می‌تواند تحت تربیت و پرورش قرار گیرد (۲). بر این اساس تربیت به معنای پرورش‌دادن و به فعلیت‌رساندن استعدادهای درونی بالقوه است (۳). در اصطلاح حقوقی، تربیت به معنای پرورش روحی و اخلاقی اطفال آمده است (۴).

۲. مفهوم آموزش: ژان ژاک روسو (Jean-Jacques Rousseau) در تعریف آموزش و پرورش بیان می‌دارد: «آموزش و پرورش هنر یا فنی است که به صورت راهنمایی یا حمایت نیروهای طبیعی و استعدادهای فراگیر (متربی) و با رعایت قوانین رشد طبیعی و با همکاری خود او برای زیستن تحقق می‌پذیرد» (۵).

مفهوم آموزش را می‌توان از خلال بررسی حق بر آموزش در اسناد معتبر نیز دریافت. در بند ۱ ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق بر آموزش چنین تعریف شده است: «هر کس حق دارد از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش لااقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید مجانی باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل بروی همه باز باشد تا همه بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره‌مند گردند.» همچنین، در تعریف حق بر آموزش گفته شده است: «حق بر آموزش شامل فراگیری معلومات از طریق آموزش و پرورش ابتدایی و عمومی و تخصص‌های عملی از طریق آموزش کاربردی نظیر آموزش فنی و حرفه‌ای است» (۶). در توصیف دیگری نیز آمده است: «حق بر آموزش شاید بنیادی‌ترین حق بشر در جهان امروز محسوب می‌شود، زیرا موجب شکوفایی گهر، روح، فکر و فطرت پاک انسان می‌شود، ضمن اینکه موجب تحقق سایر حقوق فکری و معنوی انسان نیز خواهد شد».

بنابراین می‌توان گفت حق بر آموزش یکی از اساسی‌ترین حقوق بشر است که همه انسان‌ها بدون در نظرگرفتن نژاد، جنس، زبان، مذهب و... حق دارند از آن بهره‌مند شوند و هیچ کس نمی‌تواند آن را از انسان سلب نماید.

۳. ابعاد حق بر تربیت

۳-۱. جایگاه حق بر تربیت کودک در حقوق مدنی:

شخصیت از نظر حقوقی عبارت است از وصف و شایستگی شخص برای اینکه طرف و صاحب حق و تکلیف باشد و قانونگذار تعیین می‌کند که چه موجوداتی صاحب حق و تکلیف و دارای شخصیت هستند (۷). ماده ۹۵۷ قانون مدنی صریحاً مقرر می‌دارد: «حمل از حقوق مدنی متمتع می‌گردد، مشروط بر اینکه زنده متولد شود.» بنابراین جنین را دارای نوعی شخصیت دانسته‌اند که می‌تواند صاحب حق باشد، مثلاً به موجب ماده ۸۵۱ قانون مدنی ممکن است به نفع او وصیت شود و بدین‌ترتیب حقی برای او ایجاد گردد. همچنین مطابق ماده ۸۷۵ قانون مدنی حمل نیز ارث می‌برد. بنابراین شخصیت جنین و حقی که برای او ایجاد می‌شود، سست است و زمانی قطعی می‌شود که زنده به دنیا آید، حتی اگر بلافاصله فوت کند. بررسی مواد مختلف قانون مدنی بیانگر آن است که از نظر مناسبات و روابط حقوقی، حمل به عنوان موجودی زنده و مستقل از پدر و مادر خود، مورد نظر مقنن قرار گرفته است و از این جهت می‌توان شروع حیات را از زمان انعقاد نطفه یا حتی قبل از آن دانست. اهمیت شروع حیات از آن جهت است که مشخص می‌شود تکالیف والدین در خصوص تعلیم و تربیت کودک از چه زمانی آغاز خواهد شد.

با وجود اینکه قانونگذار حقوق مادی حمل را محترم شمرده است، اما در قبال حقوق معنوی آن دخالت نداشته و سکوت اختیار کرده است، لذا اولین بحثی که در آسیب‌شناسی قوانین تربیتی مطرح می‌شود این است که

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11]

حقوق تربیتی جنین مورد غفلت واقع شده و برای والدین هیچ تکلیف واجبی در نظر گرفته نشده است.

در قوانین مدنی فقط دو قانون به طور مستقیم به حقوق تربیتی کودک اشاره دارد که عبارت‌اند از: ماده ۱۱۰۴ و ۱۱۷۸ قانون مدنی. ماده ۱۱۰۴ مقرر می‌دارد: «زوجین باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند.» در ماده ۱۱۷۸ نیز آمده است: «ابوین مکلف هستند در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش بر حسب مقتضی اقدام کنند و نباید آن‌ها را مهمل بگذارند.»

متأسفانه در قانون مذکور عبارت «تربیت اطفال بر حسب مقتضی» ابهام داشته و مراد از آن در کلام قانونگذار واضح نیست. همچنین مهمل‌نگذاشتن تربیت اطفال با هر نوع سمت و سودادن اطفال قابل اجتماع است. پس روشن است که مراد قانونگذار از مهمل‌نگذاشتن ابهام داشته و نیاز به شفاف‌سازی دارد.

با عنایت به دو ماده مذکور می‌توان گفت که تربیت فرزند، وظیفه پدر و مادر است و والدین در عین حال که حق انتخاب شیوه تربیت فرزند خود را دارند، مکلفند او را چنان تربیت کنند که مهمل نماند و استعدادهایش به هدر نرود. جمع این دو قاعده آسان نیست، زیرا گاه سلوک پدر و مادر به بیهودگی فرزند می‌انجامد و در تفسیر مهمل اختلاف می‌شود. در مقابل تزاحم حق و تکلیف، پدر و مادر باید مصلحت طفل را مقدم دارند. حق ابوین محدود به تکلیف آنان است و تا جایی احترام دارد که مخالف با وظایف قانونی و نوعی پدران و مادران نباشد.

متأسفانه علیرغم اهمیت فوق‌العاده تربیت اطفال و وظیفه والدین در این خصوص، قانون مدنی صرفاً به صورت مجمل و مبهم به این مبحث پرداخته است. در دو ماده مذکور چند مورد مطرح است: اولاً وظایف والدین در این خصوص مشخص نگردیده است؛ ثانیاً ضمانت اجرای تخلف والدین از این تکلیف مبهم است، یعنی آیا در صورت عدم تربیت صحیح و اهمال والدین، آنان قابل تعقیب و مؤاخذه هستند یا خیر؟ ثالثاً حدود توانایی و اندازه تربیت قابل ارزیابی دقیق نیست و یک امر نسبی می‌باشد و چه بسا ممکن است در حق کودک و تربیت وی اجحاف صورت‌گرفته باشد؛ رابعاً در این مواد قانونی اشاره‌ای به قابلیت خود کودک نشده است.

حال مهم‌ترین سؤالی که مطرح می‌شود، این است که آیا تربیت‌نکردن، تقصیر محسوب می‌شود و ضمانت اجرایی برای تربیت کودک وجود دارد؟ در تبصره ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی آمده است: «تقصیر اعم از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آنها، حسب مورد، از مصادیق بی احتیاطی یا بی‌مبالاتی محسوب می‌شود».

مسلم است که تربیت ناصحیح، در رفتار و آینده کودک بسیار مؤثر است و ممکن است او را به سوی ارتکاب جرایم و قانون‌شکنی سوق دهد، لذا هرچند قانون مدنی و نظام قضایی ایران در مورد مسئول‌شناختن والدین به سبب تربیت‌نکردن فرزند خود، ساکت است، ولی به نظر می‌رسد که با توجه به حکم کلی ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی ایران، بتوان عدم تربیت را تحت عنوان کلی تقصیر در نگاهداری و مواظبت قرار داده و در نتیجه والدین را مسئول شناخت. ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: «کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد، در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت، مسئول جبران زیان واردشده از ناحیه مجنون یا صغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان واردشده را نداشته باشد، از مال مجنون یا صغیر، زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگ‌دستی جبران‌کننده زیان

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11]

نباشد.» بعضی از حقوقدانان با تفسیر موسع، ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی ایران را شامل تقصیر در تربیت نیز می‌دانند (۸).

۳-۲. تکالیف و مسئولیت‌های تربیتی دولت و خانواده: دولت اسلامی موظف است شرایط برخورداری از همه حقوق تربیتی را به شیوه مناسب برای عموم افراد جامعه فراهم آورد. تعهدات دولت نسبت به حق بر تربیت به سه شکل است: ۱ـ تعهد به رعایت؛ ۲ـ تعهد به حمایت؛ ۳ـ تعهد به زمینه‌سازی. تحقق کامل وظایف دولت در خصوص حقوق تربیتی افراد نباید با نقض حقوق دیگر همراه باشد. به سخن دیگر، دولت باید تربیتی ارائه دهد که موجب تضییع حقوق دیگر از جمله حق بر امنیت نباشد.

در صورتی که والدین وظیفه تربیتی خود را ایفا نکنند، نظام اسلامی باید این وظیفه را بر عهده بگیرد. دولت اسلامی در این‌گونه موارد وظایف خاص و اضافه‌ای بر عهده دارد: کودکانی که والدین خود را به طور دائم یا موقت از دست داده‌اند، کودکانی که خود یا والدینشان فاقد سلامت جسمی یا روانی هستند و کودکانی که پدر و مادرشان صلاحیت اخلاقی یا تمکن مالی و امکانات رفاهی لازم برای برخورداری یکسان آن‌ها با سایر کودکان از حق بر تربیت را ندارند، زیرا اصل برابری فرصت‌ها که یکی از پایه‌های بنیادین عدالت اجتماعی را تشکیل می‌دهد، ایجاب می‌کند که دولت اسلامی با حمایت از چنین کودکانی، زمینه‌های فعالیت و شکوفایی استعداد آن‌ها را فراهم آورد.

باید به این مهم اشاره نمودکه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در خصوص تربیت در زمره اعمال حاکمیتی است، اما نحوه ارائه آن قابل واگذاری به بخش غیر دولتی است، به شرط آنکه اصول و سیاست‌های حاکم بر تربیت توسط این بخش رعایت شود.

۴. ابعاد حق بر آموزش

۴-۱. حق بر آموزش به مثابه حقوق اجتماعی-شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: حق بر آموزش در بند سوم اصل سوم و اصل سی‌ام قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته و در همان اصول وظایفی برای تحقق این حق بر عهده دولت گذاشته شده است. همچنین بند اول از اصل چهل و سوم، آموزش و پرورش را جزء نیازهای اساسی بشر دانسته و یکی از نتایج پایداری اقتصاد در کشور را تأمین مناسب آموزش و پرورش برای همگان معرفی کرده است.

باید دانست حق بر آموزش در زمره حقوق اجتماعی ـ شهروندی است و آن مجموعه حقوقی است که به شهروندان یک کشور با ملحوظداشتن کرامت انسانی و منع تبعیض، در جهت رشد شخصیت فردی و اجتماعی شهروندان تعلق می‌گیرد. با توجه به اینکه در این حقوق تعهدات متقابل ملت و دولت مطرح است و در قانون اساسی نیز در زمینه حق بر آموزش شهروندان تعهداتی بر دوش دولت نهاده شده است، لذا می‌بایستی به تعهدات دولت اسلامی در قبال حق بر آموزش به مثابه حقوق اجتماعی ـ شهروندی پرداخته شود.

۴-۱-۱. تعهدات دولت و حق بر آموزش: تعهدات دولت در قبال حق بر آموزش به ماهیت نوع حق برمی‌گردد. در اینجا با توجه به موضوع بحث ابتدا ماهیت حق بر آموزش و اینکه آیا این حق مثبت است یا منفی، بررسی می‌شود و سپس با توضیح تعهد به نتیجه و تعهد به وسیله، ماهیت تعهد دولت در قبال حق بر آموزش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱-۱-۱. ماهیت حق بر آموزش: حق‌ها را از جهت ماهیت تعهد متناظر آن می‌توان به دو قسم تقسیم نمود: حق منفی و حق مثبت. ایده مبنایی چنین تفکیکی این است که حق منفی با خودداری از انجام عمل و حق

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11]

مثبت با انجام عمل محقق خواهند شد. لازمه حق منفی، تکلیف و تعهد به عدم انجام عمل و لازمه حق مثبت، تعهد به انجام عمل خواهد بود. اهمیت این تفکیک از نظر اخلاقی در تفکیک بین انجام و عدم انجام عمل است. به عبارت دیگر می‌توان گفت حق منفی همان آزادی و رهایی است و تعهد متقارن آن عبارت است از عدم مداخله. در مقابل حق مثبت تعهد ایجابی را برمی‌انگیزد که همان مداخله حمایتی و ایجابی است. برای این که ببینیم حق بر آموزش حق مثبت است یا منفی، لازم است جایگاه حق بر آموزش را در نسل‌های حقوق بشری مشخص نماییم.

حقوق بشر امروزی تاکنون سه نسل مشخص را به صورت تکاملی سیر نموده است: نسل اول حقوق بشر که همان حقوق و آزادی‌های سیاسی و مدنی است، حق‌هایی از قبیل آزادی بیان، آزادی اجتماعات و تشکل‌ها، آزادی رفت و آمد، حق رأی و انتخاب محل اقامت را شامل می‌شود؛ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان حق‌های متعلق به نسل دوم حقوق بشر طبقه‌بندی می‌شوند که حق بر آموزش و پرورش، حق بهره‌مندی از مسکن مناسب، حق برخورداری از سلامتی، حق بر کار، حق بهره‌مندی از حداقل امکانات معیشتی مثال‌هایی از آن هستند؛ نسل سوم حقوق بشر هم که از آن به حقوق همبستگی یاد می‌شود، حق‌هایی مانند حق بر صلح، حق بر توسعه و حق بر محیط زیست سالم را شامل می‌شود. همانطور که ملاحظه گردید، حق بر آموزش از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حقوق بشر محسوب می‌شود و نیازمند وسیله و امکانات مادی است. بنابراین می‌توان گفت حق بر آموزش حقی است مثبت که دخالت و حمایت دولت‌ها را می‌طلبد، اما از سوی دیگر شهروندان در چارچوب همین حق مثبت باید از آزادی انتخاب برخوردار باشند. برای نمونه می‌توان به حق والدین و یا اقلیت‌ها بر انتخاب نحوه و یا محتوای آموزش اشاره کرد. در واقع آزادی آن‌ها در انتخاب این حق تنها با عدم مداخله تحدیدی دولت در کنار مداخله حمایتی محقق خواهد شد. از همین رو باید گفت حق بر آموزش ماهیتی دوگانه دارد: از یکسو حقی مثبت است و از سوی دیگر حقی است منفی. بنابراین از سویی مداخله و حمایت دولت را می‌طلبد و از سوی دیگر منع مداخله تحدیدی دولت را لازم دارد (۹).

۴-۱-۱-۲. تعهد به وسیله و تعهد به نتیجه: برخی نویسندگان بین تعهد به وسیله و تعهد به نتیجه تمایز قائل‌اند و بر آن‌اند که منظور از تعهد به وسیله آن است که متعهد و مکلف در حد امکانات موجود و (در حقیقت) در حد توان، متعهد به تدارک حق ذی‌حق خواهد بود. در مقابل در تعهد به نتیجه، متعهد مکلف به تدارک حق ذی‌حق می‌باشد و این تکلیف و تعهد قطعی بوده و مقید به امکانات موجود نیست. مفهوم تعهد به وسیله و تعهد به نتیجه به خوبی در برخی از اسناد بین‌المللی حقوق بشر منعکس شده است. برای مثال ماده دوم میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کشورهای عضو را در به کارگیری سعی و اهتمامشان با استفاده از حداکثر منابع موجود، به منظور تأمین تدریجی اعمال کامل حقوق شناخته‌شده در این میثاق متعهد می‌داند. برخلاف این میثاق بین‌المللی، میثاق حقوق مدنی و سیاسی در ماده دوم خود کشورهای عضو را بدون قید امکانات موجود، به تضمین حقوق مطرح در میثاق مکلف می‌نماید. بنابراین تعهد به نتیجه تعهدی است که متعهد (دولت) بدون در نظرگرفتن امکانات موجود موظف است در تحقق حقوق حقه ذی‌نفع، اقدامات اساسی را معمول دارد، اما تعهد به وسیله از جمله تکالیفی است که ادای تکلیف مقید به امکانات موجود است و دولت را مطلقاً در برابر ذی‌حق ملزم و متعهد نمی‌سازد.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11]

۴-۱-۱-۳. ماهیت تعهد دولت‌ها در قبال حق بر آموزش: با عنایت به مقررات بین‌المللی می‌توان گفت حق بر آموزش ماهیت خاص خود را دارد. این حق از یک‌سو تکلیفی به فراهم‌آوردن فرصت‌های آموزش برابر برای همه در حد توان و امکانات هر کشور را به بار آورده است و از دیگرسو دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی را مکلف ساخته تا دو گونه تعهد به نتیجه را هم بر دوش داشته باشند و تحقق آن را تضمین کنند: نخست آنکه آموزش‌های ابتدایی و اساسی رایگان باشد و آموزش‌های ابتدایی حتماً اجباری باشد، بدان مفهوم که دولت‌ها اطمینان حاصل کنند هیچ کودکی از این آموزش‌ها محروم نگردد؛ دومین تکلیف به تضمین نتیجه مربوط است به ماهیت آموزش. به موجب اسناد بین‌المللی حقوق بشری و نیز منشور ملل متحد، هیچ تردیدی نیست که دولت‌ها تعهدی آمره دارند که ماهیت آموزش‌ها فارغ از تعصب، تبعیض و خشونت باشد و نیز صلح، دوستی و مدارا میان اقوام و ملل ترویج شود و از همه مهم‌تر حقوق بشر آموزش داده شود (۱).

با توجه به مراتب پیش‌گفته می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که مرتبت و منزلت حق بر آموزش در سلسله مراتب میان قواعد حقوق بین‌المللی دارای وضعیت خاص خود می‌باشد؛ بدان معنا که از یک‌سو نمی‌توان بر این مدعا دلیل آورد که حق بر آموزش یکسره مانند حق بر مصونیت از شکنجه، دارای وصف آمره است، اما از سوی دیگر می‌توان استدلال کرد که تکلیف دولت‌ها به تدارک آموزش ابتدایی رایگان برای همه، فارغ از هر گونه تبعیض و آموزش‌های تعصب‌آمیز و مروج تنفر و خشونت، هم یک تعهد به نتیجه و هم تکلیفی امری در مفهوم ماده ۵ و ۶ کنوانسیون حقوق معاهدات است. هرگونه توافق دولت‌ها برخلاف این تکلیف باطل و بی‌اثر است، البته مراد از آمریت قاعده در این مقام تأکید بیشتر بر اهمیت و شناخت منزلت این حق در میان سلسله قواعد حقوق بشر بین‌المللی است (۱۰).

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت که اصل حق بر آموزش که از حقوق طبیعی هر فرد محسوب می‌شود و در هیچ موقعیتی نباید از انسان سلب شود تعهد به نتیجه است و دولت بدون هیچ‌گونه تبعیضی باید نسبت به تحقق آن اقدام نماید، ولی حق بر آموزش رایگان که نیازمند وسایل و امکانات جهت تحقق آن می‌باشد در زمره تعهد به وسیله به حساب می‌آید.

۴-۲. فراهم‌نمودن آموزش و پرورش رایگان: مطابق اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت باید وسایل آموزش و پرورش رایگان را تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد. در خصوص رایگان‌بودن آموزش و پرورش مباحث زیادی مطرح شده است، از جمله اینکه آیا در کنار آموزش و پرورش دولتی و رایگان، آموزش و پرورش خصوصی نیز می‌تواند وجود داشته باشد؟ برای روشن‌شدن موضوع مفهوم رایگان‌بودن را از جنبه‌های مختلف می‌توان بررسی کرد:

ـ دولت ضمن فراهم‌آوردن و ایجاد تسهیلات لازم و فضای آموزشی مناسب باید آن‌ها را به طور رایگان تا سطح متوسط در اختیار عموم قرار دهد و هیچ کس از هیچ قشری نباید به دلیل فقر و ناداری از نعمت دانش‌اندوزی بی‌بهره بماند. به عبارت دیگر مسأله آموزش نباید با عدم استطاعت مالی افراد اصطکاک داشته باشد تا همگان به طور عادلانه قادر به ادامه تحصیل باشند.

ـ از طریق تأسیس مدارس خصوصی و جذب معلمان برجسته در آن مدارس، ترجیحاً فقط استعداد ثروتمندان پرورش داده نشود و اولویت در کسب مدارج عالی و علمی و راهیابی به دانشگاه‌ها ایجاد نگردد تا موجبات اختلاف و سلطه طبقاتی و تحقیر اقشار متوسط و محروم ملت فراهم نگردد.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11]

در این زمینه هرچند صاحب‌نظران بر این باورند که وجود مدارس خصوصی و غیر دولتی فی‌نفسه با قانون اساسی مغایرتی ندارد، اما برخی معتقدند که منابع مالی این‌گونه مدارس در درجه اول از محل شهریه دریافتی اولیا و دانش‌آموزان تأمین می‌شود و مؤسسان این مدارس با دریافت شهریه‌های کلان و با ایجاد محیط آموزشی جذاب، فرزندان افراد متمول را در خود جای می‌دهند که اثر منفی بر روی مدارس دولتی می‌گذارد و میل به خدمت لازم را در این مدارس تقلیل می‌دهد. این روند با اصل تساوی در برخورداری از حقوق برای همه افراد ملت و عدالت اجتماعی مغایرت دارد.

۵. نگاهی به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند ۲۰۳۰

۵-۱. مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش:

هدف از تحول بنیادین در آموزش و پرورش فراهم‌آوردن زمینه تحول عمیق و ریشه‌ای همه‌جانبه، نظام‌مند، کل‌نگر، آینده‌نگر، مبتنی بر آموزه‌های دینی و معارف اسلامی و متناسب با فرهنگ اسلامی ـ ایرانی می‌باشد. واژه بنیادین از واژه لاتین Fundues گرفته شده و این واژه به معنای حرکت به سمت بنیان‌ها و ریشه‌هاست. در تغییر بنیادی یادگیری وجود دارد. سازمان کار جدیدی انجام نمی‌دهد، بلکه توانایی انجام کارها به شیوه‌ای جدید را یاد می‌گیرد. در واقع توانایی تغییر مداوم را ایجاد می‌کند. تأکید بر تغییر درونی و بیرونی از آنجاست که سازمان‌های بزرگ با زمان دست و پنجه نرم می‌کنند. تغییر راهبردها، ساختارها و سیستم‌ها کافی نیست، بلکه باید تفکری که این راهبردها و ساختارها ایجاد می‌کند، را تغییر داد (۱۱).

۵-۲. چشم‌انداز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش:

ارزش‌ها و آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی نیازمند تلاش همه‌جانبه در تمام ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی است. در تهیه سند ملی تحول بنیادین، کوشش شد تا با الهام از اسناد بالادستی و استفاده از ارزش‌های بنیادین آن و توجه به هدف‌های راهبردی نظام، چشم‌انداز و هدف‌های تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ شمسی تبیین شود، اگرچه در سی سال گذشته تلاش‌های فراوان و قابل تقدیری از طرف مسئولان و کارگزاران نظام تعلیم و تربیت برای اصلاح نظام آموزشی کشور به عمل آمد که خوشبختانه نتایج مثبت و مفیدی نیز بر جای گذاشته است، اما آموزش و پرورش هنوز با چالش‌های جدی رو به روست و خروجی آن در تراز جمهوری اسلامی ایران و پاسخگوی تحولات محیطی و نیازهای جامعه نیست. از این رو توصیه‌های حکیمانه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت تحول ایرانی و تدوین الگوی اسلامی ـ بنیادی در سیستم تعلیم و تربیت با تکیه بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی ـ ایرانی برای تحول و پرهیز از الگوهای وارداتی، کهنه و تقلیدی محض، چراغ راه برون‌رفت از چالش‌های نظام آموزشی کشور دانسته شده است.

خوشبختانه با درک ضرورت و اهمیت این امر و در پاسخ به ندای هوشمندانه رهبری انقلاب اسلامی، طرح تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در افق چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران پس از تدوین و تصویب در شورای عالی آموزش و پرورش در دستور کار شورای پژوهشی با مشارکت شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفت و سرانجام پس از شکل‌گیری حلقه‌های کارشناسی صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی و مدیران و کارشناسان مجرب آموزش و پرورش و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط، ضمن پایبندی به دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) و نظرات مقام معظم رهبری درباره تحول بنیادین نظام آموزشی و همسو با اسناد فرادستی، از جمله سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور، سند مذکور تدوین و به

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11]

تصویب این شورا رسید. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که در حقیقت برنامه راهبردی آموزش و پرورش می‌باشد، یکی از گسترده‌ترین طرح‌های نرم‌افزاری است که با تأکید بر جنبه‌های کیفی رابطه عناصر نظام در درون و با محیط پیرامون و مباحث ساختاری تدوین شده است. قلمرو سند، عرصه‌های توسعه اعم از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در آموزش و پرورش دربر می‌گیرد و برای آن‌ها تعیین تکلیف می‌کند. این سند پایه، ملاک و راهنمای تصمیم‌گیری‌های اساسی برای هدایت، راهبری، نظارت و ارزشیابی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی به منظور تحقق تحولات محتوایی و ساختاری است (۱۲).

۵-۳. چارچوب آموزشی سند ۲۰۳۰: این چارچوب آموزشی در میزگرد مقامات عالی‌رتبه آموزش جهان و با حضور بیش از ۹۰ وزیر از کشورهای مختلف دنیا در مقر یونسکو در شهر پاریس به تصویب رسید.

پیش نویس چارچوب عمل، در مجمع جهانی آموزش در سال ۲۰۱۴ در کره جنوبی ارائه شده بود و در اجلاس سران ملل متحد در زمینه دستور کار توسعه پس از سال ۲۰۱۵ مطرح شد و به تصویب نهایی رسید و اعلام گردید. چارچوب عمل آموزش ۲۰۳۰ یونسکو، نقطه عطفی برای تحقق اهداف ناتمام آموزش برای همه و اهداف توسعه هزاره به شمار می‌رود. هدف اصلی این برنامه، بسیج تمام کشورها و ذی‌نفعان در دستیابی به آموزش و یادگیری مادام‌العمر فراگیر، برابر و باکیفیت برای همه از طریق ارائه روش‌های اجرائی، هماهنگی و نظارت بر آموزش تا سال ۲۰۳۰ است.

اساس این چارچوب عمل با هدایت یونسکو و راهبری کمیته ارزیابی آموزش برای همه، در ابتدا از طریق مشاوره‌های گسترده میان اعضای یونسکو و بر اساس مشاوره‌های موضوعی در خصوص آموزش پس از سال ۲۰۱۵ و با برگزاری کنفرانس‌های چندگانه منطقه‌ای در سطح وزرا، نشست ۹ کشور پرجمعیت در اسلام‌آباد و نشست جهانی آموزش برای همه در مسقط عمان، پی‌ریزی شد که توافقنامه مسقط، نقطه عطفی برای تدوین این چارچوب عمل محسوب می‌شود.

۵-۴. تطبیق سند ۲۰۳۰ با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش: به طور کلی رویکرد سند ۲۰۳۰، سکولار و لیبرال و رویکرد سند تحول، دینی و مکتبی است. چارچوب فکری پشتیبان ۲۰۳۰ فعالیت‌های حقوق بشر، نظریه توسعه پایدار و نظریه یادگیری است و سند تحول قانون اساسی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و فلسفه تربیت را مطمح نظر دارد. زندگی آرمانی در ۲۰۳۰ زندگی مرفه و عادی (شهروند جهانی)، در حالی که در سند تحول، حیات طیبه است.

رویکرد سند ۲۰۳۰ آموزش صلح و تساوی جنسیتی و رویکرد سند تحول بنیادین تربیت سیاسی جامع و عدالت جنسیتی است. پیش از این نوع مواجهه دولت ایران در برابر سند ۲۰۳۰ خودباختگی و عزم جدی در اجرایی‌سازی و در سند تحول، عدم باور جدی به این سند و عدم عزم برای اجرایی‌سازی بوده است. در مجموع سند ۲۰۳۰ به جای اجبار رایج با سازوکارهای نرم کشورها را به سمت اجرایی‌کردن مقاصد خود پیش می‌برد. یکی از وجوهی که به لحاظ ساختاری آموزنده است، پیش‌بینی سازوکارهای اجرایی موثر است. در سند ۲۰۳۰ در ذیل اهداف، شاخص‌هایی طراحی شده که در شاخص‌های جهانی ملاک رتبه‌بندی کشورها و حمایت از آن‌هاست. بعد از ابلاغ سند، سامانه پایش سند هم طراحی گردید. با این روش به صورت نرم کشورها را به سوی اجرایی کردن سند سوق می‌دهند (۱۳).

اما در سند تحول شاخصی برای ارزیابی میزان تحقق اهداف وجود ندارد، حتی بعضی از مفاهیم سند تحول شاخص‌پذیر نمی‌شوند. سند تحول اکنون بعد از گذشت

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11]

چند سال هنوز به گفتمان تبدیل نشده است و فقط عنوان شده که سند باید اجرایی شود، اما مفاد آن مشخص نشده است. در مقابل سند ۲۰۳۰ دارای ادبیات همه فهم است و در آن واژه‌های ثقیل فلسفی وجود ندارد. یکی از اشکالات جدی در مجموعه اسناد ما و سند تحول، مطالعاتی است که وضع موجود را شناسایی کرده و پشتیبان سند تحول بوده، اما متعلق به ۱۰ سال پیش است و اکنون هنوز اجرایی نشده، در حالی که وضع موجود تغییراتی داشته است. مسائلی مانند عدالت که با سند ۲۰۳۰ مشترک است در سند تحول، مورد بحث قرار نگرفته است.

از جمله نقاط قوت سند ۲۰۳۰ می توان به تأکید بر پایان دادن فقر در هر کجا که باشد، لزوم برچیدن گرسنگی و تحقق امنیت غذایی و سلامتی مطلوب و به ویژه تأکید بر کیفیت آموزش که بر اساس آن آموزش باکیفیت برای همه میسر باشد و فرصت‌های یادگیری در تمام طول عمر فراهم شود، اشاره داشت.

روش

این تحقیق به شیوه توصیفی و ضمن بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی به انجام رسید.

یافته‌ها

یافته‌های این تحقیق نشان داد که در مورد حق بر تربیت متون قانونی محدودی وجود دارد و برخی از این متون نیز قابل انتقاد و نیازمند بازنگری است. همچنین در مورد حق بر آموزش اصلی‌ترین انتقاد وارده مسأله عدالت آموزشی و رایگان‌بودن آن است. در این راستا، سند ۲۰۳۰ هرچند دارای نقاط مثبتی است، لیکن به واسطه برخی چالش‌ها، نیازمند بومی‌سازی و هماهنگی با فرهنگ ایرانی و انطباق‌یابی و تأثیر متقابل با سند تحول می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق نگارنده بر آن بود تا دو حق بنیادین کودک، یعنی حق بر تربیت و حق بر آموزش را مورد بررسی قرار دهد؛ هرچند موارد تربیتی عموماً مختص مهارت‌های زندگی و موارد آموزشی مختص اشتغال می‌باشد، لیکن این دو امر را باید در راستای هم در نظر گرفت که بخشی از مسئولیت آن به عهده خانواده و بخشی به عهده دولت است.

به نظر می‌رسد مسأله حق بر آموزش به عنوان حقوق بنیادین انسان‌ها یکی از چالش‌های حکومت‌ها به حساب می‌آید. این مسأله با توجه به تعریف حقوق بشر و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حالت رسمی به خود گرفت و جوامع مختلف حق بر آموزش را به رسمیت شناختند و متعهد شدند در جهت برخورداری همگان از این حق، آموزش و پرورش رایگان را در دسترس عموم قرار دهند.

با توجه به نقش اساسی که آموزش و علم و فناوری در پیشرفت کشورها ایفا می‌نماید این حق مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته و حتی اکثر آن‌ها با الهام از اسناد بین‌المللی، آموزش و پرورش اجباری و رایگان را در قوانین اساسی خود مورد تأکید قرار داده‌اند تا همگان بتوانند از این حق اساسی خود بهره‌مند شوند.

در خصوص سند ۲۰۳۰ و سند تحول نیز باید گفت زمانی که سند ملی و چارچوب عمل آموزش ۲۰۳۰ را بررسی می‌کنیم متوجه می‌شویم که سند و چارچوب عمل ملی آموزش ۲۰۳۰ به عنوان خروجی کار مشابه یک برنامه عمل است که به لحاظ محتوایی و مفهومی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش غلبه دارد. در جای‌جای چارچوب عمل ملی آموزش تلاش شده تا اعلام شود که این محتوا با توجه به سند تحول بنیادین تهیه شده است،

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11]

اما سند ملی آموزش ۲۰۳۰ بیشتر شبیه برنامه عمل است که خود را به محتوای سند ۲۰۳۰ یونسکو سپرده است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی، شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را اعلام نکرده است.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

References

1. Asadinejad SM, Rostamichalkasri A, Moradi F. The right to education and upbringing of children in Iranian laws and human rights documents. Jurisprudence and family law. 2015; 62(20): 173-194.

2. Mustafavi H. Researching the words of the Holy Qur'an. Tehran: Institute of Printing and Publishing, Ministry of Islamic Culture; 1995. p. 18,312.

3. Motahari M. Education in Islam. Qom: Sadra Publications; 1996. p. 5.

4. Safaei SH, Emami H. Summary of family law. Tehran: Mizan Publications; 1384.

5. Zamiri MA. History of education in Iran and Islam. Shiraz: Rahgosha Publications; 1995, p. 14.

6. Hashemi S.M. Human rights and fundamental freedoms. Tehran: Mizan Publishing; 2005, p. 501.

7. Safaei SH. Qasemzadeh SM. Civil rights of persons and incapables. Tehran: Islamic Culture Publishing House; 2001, pp. 6-7.

8. Katouzian N. Family civil rights. Tehran: Sahami Publishing Company; 1999, p. 188.

9. Safai SH. Civil Law, preliminary course, Tehran: Mizan Publishing House; 2010.

10. Azazi Kohsare A. The right to education from the perspective of the Constitution of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Islamic Azad University, Central Tehran Branch; 1391.

11. Navid, M. A collection of articles on the pathology of religious education, Tehran: Madraseh Publications; 2007, P. 93.

12. Supreme Council of Cultural Revolution. Document on fundamental transformation of education, Tehran: Supreme Council Secretariat; 2014, p. 14.

13. Baghani A.A. Criticism of the strategic transformation document of the official and general education system of the Islamic Republic of Iran in the horizon of vision. Perspective magazine. 2012.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.